

## قرآن و رشد<sup>۱</sup>

قرآن کتاب خدا و کتاب رشد و هدایت انسان است. هیچ چیز مانند قرآن، نمی‌تواند همه نیازهای انسان را برآورده کند؛ نیازهای معنوی را مستقیماً برآورده می‌کند و نیازهای مادی را با شکوفا کردن توان‌های انسان برطرف می‌نماید؛ یعنی توان‌های بالقوه انسان را فعال می‌کند و انسان توانمند نیازمندی‌های مادی خود را تأمین می‌کند. تنها قرآن می‌تواند همه توان‌های انسان را بدون آسیب و به شکلی هماهنگ شکوفا نماید و انسان را به رشد برساند.

قرآن کتاب خدا و کتاب رشد و هدایت انسان است. انسان به دنیا آمده تا رشد کند و به کمال برسد؛ بهشت جایگاه انسان رشد یافته است؛ قرآن است که انسان را هدایت می‌کند، او را در مسیر کمال قرار می‌دهد و به رشد می‌رساند. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: «درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است و به انسان گفته می‌شود بخوان و بالا برو»؛ آنحضرت رشد و ارتقا را نتیجه قرائت قرآن معرفی می‌کنند. (الکافی، ج ۲، ص ۶۰۵). پس هدف از قرآن خواندن باید دریافت رشد و شکوفایی توان‌های درونی باشد و در هر دوره سنی، قرآن خواندنی مطلوب است که باعث رشد انسان شود. بنابراین به منظور برنامه‌ریزی مناسب برای خواندن قرآن و بهرمندی از آن، باید دو موضوع را مورد بررسی قرار دهیم:

- رشد چیست و انسان در هر مرحله از زندگی باید به چه سطحی از رشد برسد؟
- انسان در هر مرحله از زندگی چه اقتضانات و توان‌هایی دارد و چه نوع قرآن خواندنی برای او مناسب است؟

وقتی مفهوم «رشد» را در قرآن مطالعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم شناخت عرفی ما از این مفهوم با آنچه خداوند معرفی می‌کند متفاوت است. از منظر قرآن، رشد مخصوص انسان است و رشد طبیعی گیاهان و حیوانات، رشد نیست؛ حتی رشد طبیعی انسان هم رشد نیست؛ هر شکوفایی استعداد یا هر پیشرفتی هم برای انسان رشد محسوب نمی‌شود؛ رشد اصلاً مادی نیست، محدود به زندگی دنیا

---

<sup>۱</sup> رضا دژبخش. مسئول کارگروه فهم قرآن مدرسه دانشجویی قرآن و عترت(ع)

هم نیست؛ هر چند که رشد جسمی، شکوفایی استعدادهای مادی و پیشرفت‌های انسان در زندگی، می‌تواند مقدمه رشد او باشد.

«رشد»، شکوفایی توان‌های درونی در جهت خیر و صلاح فردی و اجتماعی است که منجر به اعتدال انسان می‌شود. بستر رشد انسان، زندگی طبیعی او در دنیاست؛ اما حقیقت رشد، تنها با خارج شدن از ولایت شیطان، پذیرش دین خدا، قرار گرفتن در جهت حق و طی کردن مسیری که خداوند تعیین فرموده محقق می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل رسیدن به رشد نیز تفکر است که در واقع کلید رشد به حساب می‌آید. نشانه رشد، نزدیکتر شدن به خداوند و تجلی صفات او در انسان است (معناشناسی رشد، احمد رضا اخوت، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام).

بر اساس مطالعاتی که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام صورت گرفته، رشد انسان را می‌توان در شش دوره بررسی کرد (نگاهی اجمالی به دوره‌های رشد تفکر اجتماعی، مریم قاسمی، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام). انسان رشد یافته در هر دوره از زندگی، انسانی معتدل و به نسبت سنش، دانا، توانا، مهربان و دوست‌داشتنی است.

در دوره اول، انسان باید در بستر امن خانواده، در سطحی رشد کند که بتواند منظور دیگران را بفهمد و منظور خود را به شکل مؤدبانه به دیگران بفهماند؛ در دوره دوم باید بتواند به واسطه مشورت با بزرگترهای اهل ایمان، کار درست را از بین کارهای مختلف تشخیص بدهد و نسبت به انجام آن اقدام کند؛ در دوره سوم باید به بلوغ عقلی برسد و حقوق خود، دیگران و کارها را بشناسد و به خوبی ادا کند؛ در دوره چهارم باید بتواند با دیگران ارتباط سازنده برقرار کند و منافع دیگران را به منافع خود ترجیح بدهد؛ در دوره پنجم باید برای حل مشکلات و ارتقاء جامعه، جریان‌سازی کند؛ و در دوره ششم باید بنده خدا باشد و جامعه را برای رسیدن به کمال، به سوی خدا راهبری کند.

قرآن خواندن رشد‌آفرین برای کودکان در دوره اول زندگی، یعنی از بدو تولد تا قبل از ورود به مدرسه، تکرار شنیدن آیات به گونه‌ای است که نسبت به آیات محبت پیدا کنند و با آنها انس بگیرند؛ زیرا کودکان در این دوره درک تفصیلی و عمیقی از مفاهیم و امور مختلف ندارند؛ در عین حال به شدت از القائات محیط تأثیر می‌پذیرند، شنیدن و دیدن نشان فعال است و حافظه خوبی دارند. با توجه به این اقتضائات، ارتباط مؤثر با قرآن در دوره اول زندگی، تنها در سطح «انس با قرآن» است؛ به این صورت که کودک در فضایی شاد و با نشاط آیات قرآن را از پدر و مادر خود یا از طریق پخش صوت می‌شنود و به آنها علاقمند شده و با آنها انس می‌گیرد؛ حتی به تدریج آیات را حفظ می‌شود. این

«انس با قرآن» پایه ارتباط با قرآن در همه دوره‌های بعدی است. بیان مفاهیم سنگین آیات و سوره‌ها، باعث ایجاد اختلال در ارتباط گرفتن کودک با قرآن می‌شود. همچنین وادار کردن کودک به حفظ و حتی شنیدن قرآن، ممکن است منجر به ایجاد کراهت در او شده، مانع قرائت و رشد مبتنی بر آن گردد.

در دوره دوم، یعنی حدود سال‌های دبستان، همزمان با افزایش ظرفیت ادراکی کودکان، سطح ارتباط آنها با قرآن نیز بالاتر می‌رود. در این دوره همچنان شنیدن و خواندن سوره‌ها محور دریافت رشد است؛ با این تفاوت که لازم است از هر سوره یک پیام هم به کودک منتقل شود. البته انتقال پیام تنها با شنیدن یک نکته اتفاق نمی‌افتد، بلکه این پیام باید توسط کودک تجربه شود و در وجود او به صورت یک باور ثبت گردد؛ در این صورت کودک ضمن انس با یک سوره، به فهمی ساده اما درونی از آن سوره نیز دست پیدا می‌کند. به این سطح از ارتباط با قرآن اصطلاحاً «فهم قرآن» می‌گوییم. منظور از «فهم قرآن»، خواندن قرآن و فهم معنای الفاظ و عبارات آن نیست. لازم نیست معنی کلمات و ترجمه و تفسیر آیات و سوره‌ها را به بچه‌ها بگوییم؛ این مطالب برای آنها جنبه آموزشی ندارد و باعث رشد آنها نمی‌شود. چیزی که مهم است، انس با سوره‌ها و درونی شدن مفهومی ساده از آنهاست.

در دوره سوم رشد آگاهی فرد نسبت به نیازهایش بیشتر می‌شود و تنها به اموری توجه می‌کند که درست یا غلط است. نسبت به آنها احساس نیاز داشته باشد. سطح ارتباط با قرآن در این دوره بالاتر می‌رود؛ به این صورت که ابتدا باید نیاز نوجوان نسبت به قرآن فعال شود؛ سپس با کمک معلم یک سوره را مورد مطالعه قرار می‌دهد، به معنی کلمات و ترجمه آیات و ارتباط مفاهیم آنها توجه می‌کند تا پاسخ خود را دریافت نماید و بر اساس آن عمل شایسته‌ای انجام دهد؛ به این ترتیب نیازش به واسطه سوره برآورده می‌گردد و قرآن و آیات شریف آن، تفکر را در نوجوان به بالندگی می‌رساند.

در دوره چهارم رشد، همه عناصر ادراکی و رفتاری در وجود انسان به شکوفایی می‌رسند تا او فهمیدن قرآن و عمل کردن به آن را اساسی‌ترین نیاز خود برای رسیدن به رشد و سعادت بداند. سطح ارتباط با قرآن در این دوره، «تدبر در قرآن» است؛ تدبر در قرآن به معنای درس گرفتن از آیات برای زندگی و بهره‌مند شدن از آیات است؛ یعنی خواندن قرآن برای فهمیدن و عمل کردن؛ یعنی برنامه‌ریزی کردن برای زندگی بر اساس آموزه‌های قرآن که همراه با در نظر گرفتن عاقبت امور و نتیجه کارهاست.

در دوره‌های بعدی، فرد می‌تواند به سطوح بالاتر تدبیر در قرآن که جنبه اجتماعی دارد نائل گردد. انس با قرآن، از ابتدای زندگی و در تمام طول آن برای انسان مفید و لازم است. در دوره اول که امکان ارتباط با قرآن در سطح بالاتر برای فرد وجود ندارد، این سطح از قرآن خواندن، کودک را به همه رشد لازم می‌رساند؛ اما در دوره‌های بعدی، اگر سطح قرائت بالاتر نرود، هر چند انسان تنها به واسطه انس نیز از قرآن بهره‌مند می‌شود، اما به همه رشدی که می‌تواند از قرآن دریافت کند نمی‌رسد. همین شرایط برای سطوح بعدی هم وجود دارد و انسان بزرگسال برای دریافت کامل رشد از قرآن، ناگزیر از تدبیر در قرآن است.

برگرفته از: احمد رضا اخوت، فهم قرآن در دبستان و دبیرستان، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، ۱۳۹۹